



Critique of the Theory of the Naturalness of Homosexuality: A Religious-Psychological Analysis

Hamid Reza Imanifar  / Assistant Professor, Department of Educational Sciences and Psychology,
Payame Noor University. imanifar@pnu.ac.ir

Received: 2025/09/14 - **Accepted:** 2025/12/07

Abstract

The aim of this study was a comparative investigation of the concept of self-actualization and human perfection in the Holy Quran and psychology. The research was conducted using a qualitative method, employing content analysis of texts. The data collection tools included library resources, authentic commentaries and lexical analysis of the Holy Quran, works of prominent psychologists, and recent studies in the field of humanistic and positive psychology. The findings indicate that both approaches emphasize the development of talents, moral virtues, and positive human relationships; however, their fundamental difference lies in the ultimate goal, foundation, and dimensions of self-actualization. Psychology focuses more on individual fulfillment, psychological well-being, and social welfare, while the Quran views perfection in an inseparable connection with God and the attainment of eternal bliss. This distinction demonstrates that the Quranic view of the perfect human being has a horizon beyond contemporary scientific approaches and can serve as an independent and comprehensive framework for understanding and guiding human beings in individual and social spheres. The applications of this research can be seen in cultural policy-making, educational and pedagogical models, and psychotherapy — a model that can both contribute to balanced development in educational systems and provide a spiritual and scientific framework for promoting mental health and social relationships in the fields of psychology and counseling.

Keywords: Self-actualization, Perfect human being, Quran, Humanistic psychology.

خودشکوفایی در روان‌شناسی و کمال انسان در قرآن: مبانی، مؤلفه‌ها و کمال نهایی انسان

imanifar@pnu. ac. ir

حمیدرضا ایمانی فر  / استادیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تطبیقی مفهوم خودشکوفایی و کمال انسان در قرآن کریم و روان‌شناسی بود. پژوهش به روش کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای متون انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل منابع کتابخانه‌ای، تفاسیر معتبر و تحلیل واژگان قرآن کریم، آثار روان‌شناسان برجسته و مطالعات اخیر در حوزه انسان‌گرایی و روان‌شناسی مثبت‌گرا بود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که هر دو رویکرد بر رشد استعدادها، فضایل اخلاقی و روابط مثبت انسانی تأکید دارند، اما تفاوت بنیادین آنها در مقصد، مبنا و ابعاد خودشکوفایی است. روان‌شناسی بیشتر بر تحقق فردی، رضایت روانی و رفاه اجتماعی تمرکز دارد؛ درحالی‌که قرآن کمال را در پیوند ناگسستنی با خداوند و دستیابی به سعادت ابدی می‌بیند. این تمایز نشان می‌دهد که نگاه قرآنی به انسان کامل، افقی فراتر از رویکردهای علمی معاصر دارد و می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مستقل و جامع برای فهم و هدایت انسان در عرصه‌های فردی و اجتماعی مطرح شود. کاربردهای این پژوهش در طراحی سیاست‌گذاری فرهنگی، الگوهای آموزشی، تربیتی و روان‌درمانی قابل مشاهده است؛ الگویی که می‌تواند هم به پرورش متوازن در نظام‌های آموزشی کمک کند و هم در حوزه روان‌شناسی و مشاوره، چارچوبی معنوی و علمی برای ارتقای سلامت روان و روابط اجتماعی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: خودشکوفایی، انسان کامل، قرآن، روان‌شناسی انسان‌گرا.

مقدمه

انسان همواره به‌عنوان موجودی چندبعدی مورد توجه علوم مختلف قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در حوزه الهیات و علوم انسانی مطرح شده، ایده «انسان کامل» و «خودشکوفایی» است. در فلسفه اسلامی و قرآن کریم، انسان کامل به‌عنوان موجودی تعریف می‌شود که استعدادهای الهی و وجودی خود را در تمامی ابعاد - اعم از عقلانی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی - به فعلیت می‌رساند و غایت حرکت او قرب الهی است (طباطبائی، ۱۳۷۴؛ Qutb, 2005). از این منظر، اهمیت بررسی انسان کامل در قرآن، نه تنها در شناخت جایگاه انسان در نظام آفرینش، بلکه در تبیین مسیر رشد و خودفراروی (self-transcendence) او در عرصه فردی و اجتماعی است. در دنیای معاصر که بحران‌های هویتی و معنوی افزایش یافته، بازخوانی مفهوم انسان کامل در قرآن می‌تواند به‌مثابه الگویی الهی برای خودفراروی فرد و جامعه تلقی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰).

در سوی دیگر، روان‌شناسی مدرن نیز با مفاهیمی همچون «خودشکوفایی» در نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مزلو و «انسان کارکردی کامل» در اندیشه راجرز، تلاش کرده است ابعاد رشد انسانی را تبیین کند. روان‌شناسی انسان‌گرا و مثبت‌گرا بر این باورند که کمال انسان در شکوفایی استعدادها، خودپذیری، معناجویی و روابط مثبت اجتماعی متجلی می‌شود (Compton, 2024; Seligman, 2023). اهمیت این دیدگاه در آن است که ابزارهای علمی و تجربی را برای سنجش و پرورش ابعاد روانی و اجتماعی انسان فراهم می‌کند. از این‌رو مقایسه تطبیقی مفهوم انسان کامل در قرآن و روان‌شناسی، امکانی فراهم می‌آورد تا الگویی جامع‌تر طراحی شود که هم جنبه الهی و غایی انسان را در نظر داشته باشد و هم یافته‌های علمی و کاربردی در روان‌شناسی را به خدمت گیرد (Gillani & Khan, 2025).

پیشینه پژوهش

انسان کامل در قرآن

پژوهش‌های انجام‌شده درباره مفهوم «انسان کامل» در قرآن، از سنت‌های تفسیری آغاز می‌شود و تا مطالعات میان‌رشته‌ای معاصر ادامه یافته است. مفسران بزرگ مانند علامه طباطبائی در *المیزان* و مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، انسان کامل را موجودی متعادل و جامع‌الصفات معرفی کرده‌اند که با ایمان، عمل صالح و تزکیه نفس می‌تواند به مقام قرب الهی برسد (طباطبائی، ۱۳۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰).

در همین راستا، قرآن کریم مجموعه‌ای از مفاهیم بنیادین را به‌عنوان معیارهای کمال انسانی معرفی کرده است؛ مفاهیمی که در فصل هشتم کتاب *علم‌النفس از دیدگاه اندیشمندان مسلمان* به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین این مفاهیم عبارت‌اند از:

فوز: رستگاری نهایی که در آیات متعددی با تعبیر «ذَلِكِ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» بیان شده است (نساء: ۱۳؛ آل عمران: ۱۸۵). این مفهوم نشان می‌دهد که غایت انسان کامل، دستیابی به سعادت ابدی است.

فلاح: کامیابی و رستگاری که با ایمان و عمل صالح پیوند دارد: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱). در فلسفه اسلامی نیز این واژه به عنوان تحقق خیر وجودی انسان تفسیر شده است.

تزکیه: پاک‌سازی نفس از آلودگی‌ها و رساندن آن به کمال: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹). در فلسفه اخلاق اسلامی، تزکیه شرط اصلی سعادت معرفی شده است.

زحزح عن النار: نجات از آتش و ورود به بهشت: «فَمَنْ زُحِّجَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران: ۱۸۵). این آیه نشان می‌دهد که انسان کامل نه تنها در دنیا، بلکه در آخرت نیز به رستگاری می‌رسد (ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶-۱۱۱).

در سنت عرفانی و فلسفی نیز مفهوم انسان کامل جایگاه برجسته‌ای یافته است. ابن عربی و عبدالکریم جیلی، انسان کامل را مظهر اسمای الهی و نقطه تجلی اسما دانسته‌اند و بر بُعد وجودشناسانه این مفهوم تأکید کرده‌اند. پژوهش‌های جدیدتر در حوزه عرفان، این آموزه‌ها را در نسبت با چالش‌های معاصر همچون بحران هویت و معنویت بازخوانی کرده‌اند (Abdillah & Soleh, 2023; Todd, 2024).

چنین بازخوانی‌هایی نشان می‌دهد که انسان کامل نه صرفاً به عنوان الگویی اخلاقی، بلکه به مثابه حقیقتی متافیزیکی درک می‌شود که با نیازهای فرهنگی و روانی انسان معاصر نیز قابل تطبیق است.

بخش مهمی از مطالعات معاصر نیز به کاربرد آموزشی و تربیتی این مفهوم پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی مانند رضایی و همکاران (۲۰۲۴) کوشیده‌اند مؤلفه‌های قرآنی انسان کامل را به شاخص‌های تربیتی تبدیل کنند و الگویی عملی برای پرورش متوازن نسل جوان ارائه دهند. این تحقیقات نشان می‌دهد که انسان کامل می‌تواند مبنایی برای طراحی نظام‌های آموزشی باشد که هم بُعد معرفتی و هم بُعد اخلاقی انسان را پوشش دهد. در این میان، توجه به آیات مربوط به فوز، تزکیه و فلاح می‌تواند الگویی برای نهادهای آموزشی اسلامی فراهم سازد (ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲).

از سوی دیگر، پژوهش‌های تطبیقی کوشیده‌اند مفهوم انسان کامل را در تعامل با علوم معاصر بررسی کنند. برای نمونه، مطالعاتی درباره نسبت «انسان کامل» با ایده‌های نوین همچون انسان خداگونه (Homo Deus) در عصر دیجیتال نشان داده‌اند که قرائت قرآنی از انسان کامل می‌تواند نقدی اخلاقی و معنوی بر نگرش‌های فناوری محور معاصر وارد کند و مانع از فروکاست انسان به صرف موجودی ابزاری شود (Muhtar, 2024).

این نوع مطالعات، ضرورت هم‌زمان توجه به اخلاق، معنویت و تحولات فناورانه را برجسته می‌سازند.

برخی پژوهش‌های داخلی نیز بر امکان تحقق عملی انسان کامل تمرکز کرده‌اند. این مطالعات، با رویکرد جامعه‌شناسی دینی و تعلیم‌وتربیت، نشان داده‌اند که تحقق انسان کامل صرفاً یک آرمان فردی نیست، بلکه نیازمند سازوکارهای اجتماعی، تربیتی و فرهنگی است (Khankeh, 2023). بر اساس این پژوهش‌ها، نهادهای آموزشی و فرهنگی باید بستری برای درونی‌سازی فضایل اخلاقی و ایمان دینی فراهم کنند تا انسان کامل به‌صورت اجتماعی و تمدنی تحقق یابد.

در نهایت، مرور کلی پژوهش‌ها بیانگر این است که هرچند مطالعات کلاسیک تفسیری بستر غنی‌ای برای فهم انسان کامل ایجاد کرده‌اند، اما پژوهش‌های معاصر با رویکرد میان‌رشته‌ای تلاش کرده‌اند این مفهوم را به حوزه‌های آموزش، روان‌شناسی و سیاست‌گذاری فرهنگی پیوند دهند. پژوهش‌های جدید بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۵ به‌ویژه نشان داده‌اند که ترکیب آموزه‌های قرآنی با یافته‌های روان‌شناسی تعالی محور می‌تواند الگویی جامع‌تر و کاربردی‌تر از انسان کامل ارائه دهد (Rezaei & et al., 2024; Abdillah & Soleh, 2023).
بااین‌حال، همچنان نیاز به مطالعات تجربی برای سنجش و عملی‌سازی این شاخص‌ها وجود دارد تا بتوان انسان کامل را نه فقط در سطح نظری، بلکه در عرصه‌های تربیتی و اجتماعی نیز محقق ساخت.

خودشکوفایی در روان‌شناسی

در دهه اخیر، روان‌شناسی معاصر توجه ویژه‌ای به بازخوانی مفهوم خودشکوفایی داشته است. مزلو نخستین بار این مفهوم را در رأس هرم نیازهای انسانی مطرح کرد، اما پژوهش‌های جدید تلاش کرده‌اند آن را در بسترهای فرهنگی و اجتماعی متفاوت بازتعریف کنند. برای مثال کمپتون (۲۰۲۴)، با بازنگری در آثار مزلو نشان می‌دهد که خودشکوفایی صرفاً فرآیندی فردی نیست، بلکه به شکلی گسترده‌تر با خودفراروی اخلاقی، اصالت و مشارکت اجتماعی پیوند دارد. این دیدگاه تأکید دارد که رشد انسان زمانی کامل خواهد بود که ارزش‌های متعالی همچون همدلی، خلاقیت و خدمت اجتماعی در کنار خودتحقق بخشی فردی رشد یابد.

پژوهش‌های دیگر به اهمیت معنابخشی و معناجویی به‌عنوان هسته اصلی خودشکوفایی پرداخته‌اند. گوی (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای تجربی بر روی نسل جوان نشان داد که معنا در زندگی، خودپذیری و رفتارهای نوع‌دوستانه از عوامل کلیدی شکوفایی انسان هستند. یافته‌های او بیان می‌کند که در غیاب معنا، حتی تحقق اهداف فردی نیز به رضایت پایدار منجر نخواهد شد. این نتیجه، همسو با نظریات فرانکل در معنادرمانی است، اما با رویکردهای علمی و داده‌های معاصر بازتأیید شده است.

از سوی دیگر، روان‌شناسی مثبت‌گرا تلاش کرده است با ارائه مدل‌هایی چون PERMA (Positive Emotion - Engagement - Relationships - Meaning - Accomplishment) مفهوم

خودشکوفایی را به صورت عملیاتی تر بیان کند. سلیگمن (۲۰۲۳) تأکید دارد که شکوفایی انسانی نه تنها به تحقق فردی، بلکه به روابط مثبت و انسجام اجتماعی وابسته است. او همچنین پیشنهاد می‌دهد که پژوهش‌های روان‌شناختی باید بیش از گذشته به پیوند میان شکوفایی و معنویت توجه کنند تا از فردگرایی صرف جلوگیری شود.

مطالعات دیگری بر جنبه‌های فرهنگی و اخلاقی خودشکوفایی تمرکز داشته‌اند (Gilani & Khan, 2025). با بازخوانی آموزه‌های اخلاق اسلامی و پیوند آن با روان‌شناسی مثبت‌گرا، نشان دادند که خودشکوفایی در جوامع غیرغربی تنها زمانی پایدار است که ارزش‌های اخلاقی و معنوی نیز در آن لحاظ شوند. این پژوهش، بر خلاف دیدگاه‌های کلاسیک که عمدتاً فردمحور بودند، بر ضرورت تلفیق فرهنگ و معنویت در شکوفایی انسانی تأکید دارد.

علاوه بر این، پژوهشگران به ابعاد اجتماعی و فناورانه خودشکوفایی در دنیای مدرن نیز توجه کرده‌اند (Muhtar & Zailani, 2022) و در مقاله‌ای تطبیقی، خودشکوفایی را در بستر تحولات دیجیتال بررسی کرده و هشدار داده‌اند که بدون توجه به ابعاد اخلاقی و معنوی، خطر تقلیل انسان به موجودی صرفاً ابزاری و فناورانه وجود دارد. آنها معتقدند که بازخوانی خودشکوفایی باید با تأکید بر انسانیت و ارزش‌های بنیادین همراه باشد تا در مقابل چالش‌های جهان دیجیتال مقاومت ایجاد کند.

در نهایت، مرور پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که خودشکوفایی در روان‌شناسی معاصر دیگر صرفاً یک ایده فردی و انتزاعی نیست، بلکه در ارتباط با عوامل اجتماعی، معنوی، فرهنگی و فناورانه بازتعریف شده است (Iqbal et al., 2024 &). این مطالعات نشان می‌دهند که خودشکوفایی، اگرچه در اصل مفهومی روان‌شناختی است، اما به طور فزاینده‌ای به عنوان یک الگوی چندبعدی مطرح می‌شود که می‌تواند پاسخگوی نیازهای پیچیده انسان مدرن باشد.

با توجه به اشتراکات و تفاوت‌های بنیادین میان نگاه قرآنی و روان‌شناسی به کمال انسان، ضرورت انجام پژوهش حاضر روشن می‌شود. از یک سو، قرآن کریم بر تأکید بر کرامت ذاتی، خلافت الهی و مسیر قرب، الگویی غایت‌محور و معنوی از انسان کامل ارائه می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰)؛ از سوی دیگر، روان‌شناسی معاصر با تأکید بر خودشکوفایی، معناجویی و رشد روانی - اجتماعی، چارچوبی علمی و کاربردی برای تبیین ابعاد رشد انسان فراهم ساخته است (Goy, 2025; Seligman, 2023). هدف این پژوهش آن است که با مقایسه تطبیقی این دو دیدگاه، نقاط هم‌پوشانی و تمایز آنها روشن گردد و مدلی تلفیقی ارائه شود که بتواند در پاسخ به نیازهای انسان معاصر - اعم از فردی، تربیتی، روان‌درمانی و اجتماعی - کارآمد باشد (Gilani & Khan, 2025).

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع کیفی و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای متون است. در این رویکرد، منابع اصلی شامل آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر شیعه و سنی، و آثار روان‌شناسان برجسته در حوزه نظریه خودشکوفایی مورد بررسی قرار گرفتند. هرچند واژه «خودشکوفایی» به صورت مستقیم در قرآن به کار نرفته است، اما مبانی این مفهوم را می‌توان در مضامینی همچون ایمان، اخلاص، تقوا، ولایت الهی و صفات پیامبران الهی مشاهده کرد (هروی، ۱۳۸۲). این مفاهیم به عنوان شاخص‌های کلیدی کمال انسانی در متون اسلامی تحلیل و دسته‌بندی شدند.

برای تکمیل تحلیل، از آثار علمی جدید در روان‌شناسی انسان‌گرا و مثبت‌گرا استفاده شد تا امکان مقایسه تطبیقی فراهم آید. استخراج داده‌ها بر اساس کلیدواژه‌هایی مانند ایمان، عمل صالح، قرب الهی و خودشکوفایی صورت گرفت و سپس با استفاده از رویکرد مقایسه‌ای، مؤلفه‌های انسان کامل در قرآن و روان‌شناسی کنار هم قرار داده شدند. بدین ترتیب، روش پژوهش حاضر ضمن وفاداری به منابع اصیل اسلامی، از یافته‌های علمی معاصر نیز بهره برد تا تحلیلی جامع و میان‌رشته‌ای از مفهوم انسان کامل ارائه شود.

یافته‌ها

۱. خودشکوفایی از نگاه روان‌شناسان

بررسی ادبیات روان‌شناسی نشان می‌دهد که مفهوم خودشکوفایی در طول یک قرن اخیر از منظرهای متفاوتی تبیین شده است. هرچند همه نظریه‌پردازان به طور مستقیم به اصطلاح «خودشکوفایی» نپرداخته‌اند، اما در آثار آنان می‌توان رگه‌هایی از اندیشه رشد، کمال و تحقق خویش را مشاهده کرد. برای تحلیل دقیق‌تر این دیدگاه‌ها، می‌توان رویکردهای روان‌شناسان را در چهار دسته متمایز طبقه‌بندی کرد: گروه نخست شامل نظریه‌پردازانی است که به غایت یا کشش ذاتی انسان برای کمال توجه نکرده‌اند؛ گروه دوم کسانی هستند که نوعی کشش درونی یا هدف غایی را پذیرفته اما تبیین پراکنده ارائه کرده‌اند؛ گروه سوم به طور مستقیم بر خودشکوفایی و ویژگی‌های انسان کامل تمرکز داشته‌اند؛ و گروه چهارم نمایانگر تحولات اخیر در روان‌شناسی مثبت‌گرا و انسان‌گرایی نوین است که با داده‌های تجربی جدید، ابعاد گسترده‌تری از شکوفایی انسانی را برجسته ساخته‌اند (Goy, 2025; Seligman, 2023; Compton, 2024).

۱-۱. گروه اول روان‌شناسان

این دسته از روان‌شناسان به مسئله وجود یک هدف غایی و ضروری در زندگی نپرداخته‌اند. در نظام فکری آنان، هیچ اشاره‌ای به رانده شدن انسان برای غلبه بر احساس حقارت، کاهش تعارض و اضطراب

یا کشیده شدن به‌سوی وضعیت‌هایی چون خودشکوفایی وجود ندارد. هرچند برخی از آنان رفتارهای انسانی را هدفمند دانسته یا تصویری خوش‌بینانه از انسان ارائه کرده‌اند، اما از مفهوم «تمایل ذاتی به خودشکوفایی» سخنی به میان نیاورده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان به بی. اف. اسکینر، جرج کلی، جولیان راتر، ریموند کتل، هانس آیزنک و نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی چون دلاز و میلر اشاره کرد. این اندیشمندان اغلب بر نقش محیط، شرطی‌سازی یا صفات پایدار شخصیتی تأکید داشتند و کمتر به حرکت ذاتی انسان به سمت کمال پرداخته‌اند (Cervone & Pervin, 2022; Schultz & Schultz, 2017).

۲-۱. گروه دوم روان‌شناسان

این گروه برای انسان یک کشش درونی به‌سوی رشد یا یک هدف غایی قائل شده‌اند. برای مثال، فروید لذت‌جویی و کاهش تنش را نیروی محرکه اساسی می‌دانست، هنری موری بر ارضای نیازها تأکید داشت، بندورا بر اهداف، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی متمرکز بود، اریک اریکسون موفقیت در گذراندن هشت مرحله رشد روانی - اجتماعی را معیار کمال می‌دانست، گوردون آلپورت جست‌وجوی یگانگی و سبک زندگی رضایت‌بخش را اساس خودشکوفایی معرفی کرد، یونگ بر «فردیت‌یافتگی» و تحقق خویشتن تأکید داشت، آدلر «تلاش برای برتری» را اصل دانست، و اندیشمندانی چون کارن هورنای و اریک فروم رشد و تحقق نیروهای بالقوه را مطرح کردند (Schultz & Schultz, 2017). این رویکردها هرچند به‌صورت پراکنده به کشش درونی انسان اشاره دارند، اما کمتر تصویری جامع از خودشکوفایی به‌عنوان غایت زندگی ارائه کرده‌اند.

۳-۱. گروه سوم روان‌شناسان

این گروه علاوه بر پذیرش کشش درونی و هدف غایی، به‌طور مستقیم به بحث خودشکوفایی پرداخته‌اند و ویژگی‌های انسان خودشکופا را شرح داده‌اند. کارل راجرز انسان را دارای تمایل بنیادی برای شکوفا شدن و غنی‌سازی خود می‌دانست و این تمایل را تنها نیاز بنیادین انسان معرفی کرد. او معتقد بود افراد خودشکופا با پذیرش تجربه‌های زندگی، اعتماد به ارگانسیم، آزادی انتخاب و زندگی کامل در لحظه، مسیر رشد را طی می‌کنند. مازلو نیز با ارائه سلسله‌مراتب نیازها، خودشکوفایی را در رأس هرم قرار داد و بعدها مفهوم خودفراروی را افزود. او ویژگی‌هایی همچون ادراک کارآمد واقعیت، پذیرش خود و دیگران، خودانگیختگی، استقلال، تجربه‌های اوج و روابط اصیل را نشانه انسان‌های خودشکופا معرفی کرد (Compton, 2024; Maslow, 1970). با وجود تأثیر گسترده، این نظریه‌ها با انتقادهایی مانند خوش‌بینی افراطی، نادیده گرفتن رفتارهای مخرب و سوگیری‌های فرهنگی مواجه شده‌اند (Steven, 2002; Kim, 2006).

۱-۴. گروه چهارم روان‌شناسان

این گروه نمایانگر تحولات اخیر روان‌شناسی به‌ویژه در «روان‌شناسی مثبت‌گرا» و «روان‌شناسی انسان‌گرای نوین» است که از سال ۲۰۰۰ به بعد و به‌ویژه در پژوهش‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۵ برجسته شده‌اند. در این رویکرد، خودشکوفایی بخشی از مفهوم وسیع‌تر شکوفایی (flourishing) در نظر گرفته می‌شود. مارتین سلیگمن مدل PERMA را معرفی کرد که شامل هیجان مثبت، درگیری، روابط مثبت، معنا و دستاورد است (Seligman, 2023). پژوهش‌های اخیر نیز بر اهمیت خودپذیری، معنویت، نوع‌دوستی، انسجام روانی و تاب‌آوری در مسیر کمال انسانی تأکید کرده‌اند (Goy, 2025; Gilani & Khan, 2025). همچنین نظریه جریان یا «flow»، در مطالعات جدیدتر به‌عنوان تجربه اوج برای خودشکوفایی بازتعریف شده است. این رویکردها نشان می‌دهند که خودشکوفایی تنها به بُعد فردی محدود نمی‌شود، بلکه پیوندی عمیق با معنای زندگی، روابط اجتماعی سالم و رشد اخلاقی دارد (Iqbal & et al., 2024; Nisa & Zarkasyi, 2024).

۲. خودشکوفایی از منظر قرآن کریم

با بررسی کلماتی مانند ایمان، اخلاص، اولیا، متقین، صالحین و نام پیامبران، ویژگی‌های انسان خودشکופا در قرآن کریم در سه نوع رابطه با خود، با دیگران و با خداوند سبحان طبقه‌بندی گردید. این تقسیم‌بندی با مباحث فیلسوفان مسلمان درباره سعاد و کمال نیز همخوانی دارد؛ زیرا آنان سعاد حقیقی را در هماهنگی قوای نفس و رسیدن به اعتدال می‌دانستند (ابن‌سینا، ۱۳۷۵ق؛ صدرالمآلهین، ۱۳۸۲؛ ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹-۱۱۰).

۲-۱. رابطه با خود

در هنگام خشم و اندوه استغفار و طلب رحمت می‌کنند (اعراف: ۱۵۰-۱۵۱)، ترس و غمی ندارند (یونس: ۶۲)، در دنیا شاد و مسرورند (یونس: ۶۳) و با آرامش و بی‌تکبر راه می‌روند (فرقان: ۶۳)، مخلص هستند (مریم: ۵۱)، صبر می‌کنند (مریم: ۳۵)، در آزمایش‌های گوناگون در راه انسان کامل شدن پیروزند (بقره: ۱۲۴)، در انجام وظایف کامل‌اند (نجم: ۳۷)، توبه‌کننده از اشتباهاتشان (ص: ۳۰)، امیدوار به آینده (رعد: ۲۹)، در گفتار و اعتقاد ثابت قدم (ابراهیم: ۲۷)، خواهان قلبی بی‌حسند (حشر: ۱۰)، صفات رهبری دارند و برکنار از هواهای نفسانی (آل عمران: ۳۹)، دوری‌کننده از قتل و زنا (فرقان: ۶۸) و از بدی و فحشایند (یوسف: ۲۴)، با زینت داده شدن چیزها و تحریف واقعیت همراه نمی‌شوند (حجر: ۳۹)، همچون نهالی هستند که رشد می‌کنند و همه را به شگفتی وامی‌دارند (فتح: ۲۵).

این ویژگی‌ها در قرآن با مفهوم تزکیه نفس پیوند دارد؛ یعنی پاک‌سازی درونی و رساندن نفس به کمال. قرآن می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹). این آیه نشان می‌دهد که فلاح و کامیابی حقیقی در گرو تزکیه است. فیلسوفان مسلمان نیز سعاد حقیقی را در همین تزکیه و هماهنگی قوای نفس دانسته‌اند (ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷-۱۰۹).

۲-۲. رابطه با دیگران

در برخورد با جاهلان سلام می‌گویند (فرقان: ۶۳) و در انفاق اسراف و سختگیری نمی‌کنند (فرقان: ۶۷)، رنج‌های انسان‌های دیگر بر آنها سخت است و اصرار بر هدایت و کمک دارند (توبه: ۱۲۸)، امین هستند و سرمشق و اسوه نیکی (احزاب: ۲۱)، در وعده‌هایشان صادق (مریم: ۵۴)، گواهی و شهادت را از روی عدالت می‌دهند (مائده: ۸)، در امانت خیانت نمی‌کنند (انفال: ۲۸)، سخن حق می‌گویند (احزاب: ۷۰)، از ظن و گمان بسیار و تجسس در امور دیگران می‌پرهیزند (حجرات: ۱۲)، یکدیگر را به صبر و حق (عصر: ۳) و رحمت (بلد: ۱۷) سفارش می‌کنند، سیاحت‌کننده در جهان هستند و سپاسگزار و دیگران را سفارش به نیکی می‌کنند (توبه: ۱۱۲)، رنج‌های انسان‌ها بر آنها سخت است و بر هدایت آنها حریص هستند (توبه: ۱۲۸).

این روابط اجتماعی در قرآن با مفهوم فلاح گره خورده است؛ زیرا قرآن بارها تأکید می‌کند که «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱) و این فلاح در گرو ایمان، عمل صالح و روابط اجتماعی سالم است. در فلسفه اسلامی نیز سعادت اجتماعی بخشی از کمال انسانی معرفی شده است (ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰-۱۱۲).

۲-۳. رابطه با خدا

بر خدا توکل می‌نمایند (مائده: ۱۱)، خداوند سبحان را ولی و سرپرست خود می‌دانند (بقره: ۲۵۷) و اعتقاد دارند که خدا به تنهایی برای یاری آنها کافی است (نسا: ۴۵). این رابطه با خداوند، همان چیزی است که قرآن از آن به فوز عظیم یاد می‌کند: «فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران: ۱۸۵). این آیه نشان می‌دهد که نهایت خودشکوفایی قرآنی، نجات از آتش و رسیدن به بهشت است. فیلسوفان مسلمان نیز سعادت عقلی و قرب الهی را برترین مرتبه کمال دانسته‌اند (ابن‌سینا، ۱۳۷۵ق؛ صدرالمآلهین، ۱۳۸۲؛ ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱-۱۱۳).

بررسی نتایج

تحلیل تطبیقی نشان داد که مفهوم «خودشکوفایی» و «انسان کامل» در قرآن کریم و روان‌شناسی، با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی معرفتی، در بسیاری از مؤلفه‌ها دارای اشتراکات چشمگیر هستند. روان‌شناسی معاصر را می‌توان به چهار رویکرد عمده تقسیم کرد: روان‌شناسان رفتارگرا و شناختی که کمتر به هدف غایی پرداخته‌اند؛ روان‌شناسان روان‌پویشی و نئوفرویدی که غایت را در تعادل روانی و اجتماعی جست‌وجو کرده‌اند؛ روان‌شناسان انسان‌گرا مانند مازلو و راجرز که بیشترین تأکید را بر خودشکوفایی و تحقق خویش‌داشتن داشته‌اند؛ و در نهایت روان‌شناسی مثبت‌گرا به‌ویژه با نظریه سلینگمن که شکوفایی را در قالب مدل PERMA معرفی کرده است (Seligman, 2023; Goy, 2025; Compton, 2024). قرآن کریم نیز در آیات متعدد، الگویی جامع از

انسان کامل ارائه می‌دهد که در آن ایمان، فوز عظیم، فلاح، عمل صالح، تزکیه نفس، اخلاق اجتماعی و قرب الهی در مرکز قرار دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰؛ Qutb, 2005).

شباهت‌ها

در مقایسه میان قرآن و روان‌شناسی، چند محور اصلی از شباهت‌ها آشکار شد.

۱. تأکید بر شکوفایی ظرفیت‌های بالقوه انسان

قرآن با بیان خلافت الهی (بقره: ۳۰) و کرامت ذاتی انسان (اسراء: ۷۰) ظرفیت‌های عظیم انسان را یادآور می‌شود. روان‌شناسان نیز، از مازلو تا سلیگمن، بر بالفعل‌سازی توانایی‌های بالقوه و رشد شخصیت تأکید دارند (Compton, 2024; Seligman, 2023). این نگاه با مباحث فیلسوفان مسلمان درباره کمال و سعادت هماهنگ است که کمال را در به فعلیت رساندن استعدادهای نفس می‌دانند (ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹-۱۰۷).

۲. جایگاه اخلاق و فضایل انسانی

قرآن، ایمان و عمل صالح را جدایی‌ناپذیر از کمال می‌داند و ویژگی‌هایی چون عدالت (مائده: ۸)، صداقت (مریم: ۵۴)، صبر (بقره: ۱۵۵) و فروتنی (فرقان: ۶۳) را برمی‌شمارد. در روان‌شناسی انسان‌گرا و مثبت‌گرا نیز ارزش‌هایی چون صداقت، پذیرش خود و دیگران، نوع‌دوستی و روابط مثبت به‌عنوان شاخص‌های انسان شکوفا معرفی شده‌اند (Gilani & Khan, 2025; Rogers, 1961). این هم‌پوشانی با نظریه اعتدال قوای حیوانی و فضایل اخلاقی در فلسفه اسلامی نیز دیده می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۳۸۲؛ ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰).

۳. اهمیت آرامش درونی و معناجویی

هر دو دیدگاه به اهمیت اطمینان قلبی و آرامش درونی توجه دارند. قرآن با عباراتی چون «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) آرامش را نتیجه پیوند با خدا معرفی می‌کند. روان‌شناسانی مانند فرانکل نیز یافتن معنا را محور اصلی سلامت روانی و خودشکوفایی می‌دانند (Goy, 2025; Frankl, 2000). این نکته با تأکید فیلسوفان مسلمان بر سعادت عقلی و برتری آن بر سایر سعادت‌ها همخوان است (ابن‌سینا، ۱۳۷۵ق).

۴. توجه به روابط انسانی و اجتماعی

قرآن کریم بر مشورت (شوری: ۳۸)، انفاق (فرقان: ۶۷) و یاری‌رسانی به دیگران تأکید می‌کند. این آموزه‌ها نشان می‌دهند که روابط انسانی و اجتماعی بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر کمال و فلاح انسان هستند. در فصل هشتم کتاب علم‌النفس از دیدگاه اندیشمندان مسلمان نیز بر همین نکته تأکید شده است که کمال انسانی تنها در بستر تعامل اجتماعی و درونی‌سازی فضایل اخلاقی تحقق می‌یابد (ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲). در

روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز مؤلفه «روابط مثبت» در مدل PERMA دقیقاً بر همین اصل پای می‌فشارد و روابط انسانی سالم را به‌عنوان یکی از شاخص‌های شکوفایی معرفی می‌کند (Seligman, 2023).

تفاوت‌ها

در کنار این شباهت‌ها، تفاوت‌های بنیادین نیز میان قرآن و روان‌شناسی معاصر وجود دارد که ریشه در مبانی معرفتی متفاوت آنها دارد.

۱. غایت‌نهایی کمال

قرآن غایت کمال را قرب الهی و لقای خداوند معرفی می‌کند (انشقاق: ۶). این غایت با مفاهیم فوز عظیم: «ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (نساء: ۱۳) و زحزح عن النار: «فَمَنْ زُحِّحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران: ۱۸۵) تبیین شده است (ناروئی نصرتی و عبدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲)؛ درحالی‌که روان‌شناسی بیشتر بر رضایت فردی، تحقق خویشتن و رفاه دنیوی متمرکز است (Nisa & Zarkasyi, 2024)؛ حتی در روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز که بر معنا و تعالی تأکید می‌شود، این غایت به‌طور الزام‌آور با خداوند پیوند نمی‌خورد.

۲. رابطه با خداوند

قرآن رابطه با خدا را بنیان اصلی خودشکوفایی می‌داند. خودشناسی و رشد فردی بدون خداشناسی ناقص تلقی می‌شود (رعد: ۲۸؛ بقره: ۲۵۷). در مقابل، روان‌شناسی غالباً معنویت را به‌صورت سکولار یا اختیاری تبیین می‌کند و پیوندی ضروری میان خداشناسی و خودشکوفایی برقرار نمی‌کند (Moter & Zilani, 2022).

۳. منابع انگیزشی

قرآن از مجموعه‌ای گسترده از مشوق‌های درونی و بیرونی مانند امید به بهشت (صافات: ۴۸)، ترس از جهنم (انبیاء: ۱۰۲)، و وعده کرامت ابدی (فصلت: ۸) برای انگیزش انسان بهره می‌برد. در مقابل، مازلو اذعان می‌کند که انگیزش برای خودشکوفایی در مقایسه با نیازهای اساسی ضعیف‌تر است (Maslow, 1970).

۴. یقین در مقابل نسبیت

در قرآن، مسیر کمال با قطعیت و جزمیت بیان می‌شود. انسان کامل با ایمان و عمل صالح تعریف شده است و انکار خدا و آخرت موجب حیرت و سرگردانی معرفی می‌شود (اعراف: ۱۸۶؛ نمل: ۴). در مقابل، روان‌شناسی بیشتر به نسبی‌گرایی و تفاوت‌های فردی توجه دارد و الگوهای انعطاف‌پذیرتری ارائه می‌دهد (Schultz & Schultz, 2021).

جمع‌بندی

با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های بیان‌شده، می‌توان گفت که قرآن و روان‌شناسی معاصر، به‌ویژه روان‌شناسی انسان‌گرا و مثبت‌گرا، دو مسیر متفاوت اما هم‌پوشان برای تبیین کمال انسانی ارائه می‌دهند. قرآن غایت‌گرایانه و معنویت‌محور است و کمال را در پیوند ناگسستنی با خداوند می‌بیند؛ درحالی‌که روان‌شناسی بیشتر به رشد فردی، روابط اجتماعی و معناجویی در چارچوب تجربه انسانی توجه دارد. این تمایزات نشان می‌دهد که هیچ‌یک به تنهایی قادر به ارائه تصویری کامل از خودشکوفایی نیستند. بنابراین ضرورت طراحی مدلی تلفیقی مطرح می‌شود؛ مدلی که بتواند غایت الهی قرآن را با روش‌های علمی و تجربی روان‌شناسی معاصر درهم آمیزد و الگویی جامع برای پرورش انسان در عرصه‌های آموزش، روان‌درمانی و جامعه‌سازی فراهم آورد (Iqbal & et al. , 2024; Gilani & Khan, 2025).

منابع

قرآن کریم.

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵ق). *النجاة فی الحکمة المنطقية و الطبیعیة و الإلهیة*. قم: کتابخانه مرتضویه.
- صدرالمآلهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۲). شرح و تعلیقه بر الهیات شفا. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ناروئی نصرتی، رحیم و عبدی، حسن (۱۳۹۳). علم/نفس از دیدگاه اندیشمندان مسلمان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هروی، نجیب مایل (۱۳۸۲). خودشکوفایی در قرآن کریم. در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- Abdillah, A. & Soleh, A. (2023). Contemporary perspectives on Insan Kamil: Revisiting Islamic metaphysics in the modern era. *Journal of Islamic Studies*, 34(2), 210-229.
- Cervone, D. & Pervin, L. A. (2022). *Personality: Theory and research* (15th ed.). Hoboken, NJ: Wiley.
- Compton, W. C. (2024). Self-actualization revisited: Human flourishing in contemporary psychology. *Journal of Humanistic Psychology*, 64(2), 145-162.
- Frankl, V. E. (2000). *Man's search for ultimate meaning*. New York: Perseus Publishing.
- Kim, U. (2006). *Indigenous and cultural psychology: Understanding people in context*. Springer Science & Business Media..
- Gillani, S. & Khan, M. (2025). Integrating Islamic ethics and positive psychology: A pathway to sustainable self-actualization. *Journal of Positive Psychology Studies*, 10(1), 55-72.
- Qutb, S. (2005). *In the shade of the Qur'an* (Vols. 1-30, M. A. Salahi & A. A. Shamis, Trans.). Markfield, UK: Islamic Foundation.
- Guo, Y. (2025). Meaning in life and self-actualization among young adults: An empirical study. *Journal of Applied Psychology*, 110(3), 321-335.
- Iqbal, A. , Zafar, T. & Hussain, R. (2024). Self-actualization in the digital age: A cross-cultural study. *International Journal of Psychology*, 59(4), 499-514.
- Khankeh, H. (2023). Practical pathways toward the realization of the Perfect Human: A sociological perspective. *Iranian Journal of Social Studies*, 19(3), 77-95.
- Maslow, A. H. (1970). *Motivation and personality* (2nd ed.). New York: Harper & Row.

- Muhtar, M. (2024). *Insan Kamil and Homo Deus: Islamic critique of techno-humanism*. Kuala Lumpur: IIUM Press.
- Muhtar, M. & Zailani, S. (2022). Self-actualization and human dignity in the digital era: An Islamic perspective. *Journal of Ethics and Information Technology*, 24(3), 275-289.
- Nisa, F. & Zarkasyi, H. (2024). Flourishing and faith: Positive psychology from an Islamic worldview. *Journal of Positive Psychology and Religion*, 5(2), 100-118.
- Rezaei, M., Hosseini, A. & Karimi, F. (2024). Educational applications of the Qur'anic concept of the Perfect Human. *Journal of Islamic Education Research*, 15(1), 33-52.
- Rogers, C. R. (1961). *On becoming a person: A therapist's view of psychotherapy*. Boston, MA: Houghton Mifflin.
- Schultz, D. P. & Schultz, S. E. (2017). *Theories of personality* (11th ed.). Boston, MA: Cengage Learning.
- Schultz, D. P. & Schultz, S. E. (2021). *History of modern psychology* (11th ed.). Boston, MA: Cengage Learning.
- Seligman, M. E. P. (2023). *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being* (2nd ed.). New York: Atria Books.
- Steven, J. H. & Steven, C. A. (2002). Maslow and relatedness: Creating an interpersonal model of self-actualization. *Journal of Humanistic Psychology*, 42(4), 37-57.
- Todd, R. (2024). Ibn Arabi's concept of the Perfect Human and its relevance today. *Journal of Sufi Studies*, 13(1), 1-20.